

توصیه امام صادق(ع) به ایرانیان در عید نوروز

نوروز با بهار می‌آید که یادآور رستاخیز و تحولی ژرف و دل انگیز در حیات بشر است و اینک، کتاب بزرگ آفرینش، فرا روی ماست، بهار، بازتاب شگفت راز حیات در عرصه هستی است.



نوروز با بهار می‌آید که یادآور رستاخیز و تحولی ژرف و دل انگیز در حیات بشر است و اینک، کتاب بزرگ آفرینش، فرا روی ماست، بهار، بازتاب شگفت راز حیات در عرصه هستی است.

خبرگزاری حوزه در گفتگو با حجت‌الاسلام والمسلمین «میرزا احمد اسدی» به شرح فرازهایی از دعای تحویل سال پرداخته است.

* همانطور که مستحضرید، نوروز امسال همچون سال گذشته با ایام سوگواری ریحانه النبی همراه شده است. این تقارن را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بسم الله الرحمن الرحيم. در ابتدای سخن، فرا رسیدن ایام فاطمیه را محضر امام زمان(عج)، نایب بحق ایشان حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای و شیعیان راستینش تسلیت عرض می‌نمایم.

تقارن ایام نوروز با ایام فاطمیه اول و دوم را به فال نیک می‌گیریم که به تعبیر روایات، این تقارن و هماهنگی؛ یک نفحه الهیه است: «إِنَّ لِلَّهِ فِي أَيَّامٍ دَهْرَكُمْ نَفَحَاتٍ أَلَّا فُتْرَصَدُّوا لَهَا؛ برای خداوند متعال در روزگاران شما نفحاتی پیش می‌آید، سعی کنید خود را در معرض این نفحات الهی قرار دهید»[1].

هر از چند گاهی این نسیم های رحمت به سوی ما می‌وزد، گاهی شرایط زمانی و مکانی زمینه‌ای می‌شود تا انسان قدمی به سوی حق بردارد. این نسیم های رحمت بسیار مغتنم هستند و سبب توفیقاتی است که انسان قدمی یا منزلی از سیر الی الله را طی کند و به مراتب بالاتر برسد.

این تقارن ممکن است از همین قبیل باشد. همین که در این ایام سخن از فاطمه زهرا(س) است، باب توفیقی است. هر اندازه که به این باب نزدیک شویم به باب معرفت نزدیک شده‌ایم و هر اندازه از آن دور شویم، از سعادت و معرفت محروم مانده‌ایم.

اینکه حضرت رسول(ع) در حق امیرالمؤمنین علی(ع) فرمود: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ مِنَ الْبَابِ [2]» فقط اختصاص به حضرت ندارد بلکه فاطمه زهرا(س) و سایر ائمه اطهار(ع) نیز این گونه اند.

* آیا می‌توان این هم‌زمانی و تقارن را یک فرصت توصیف کرد؟

بله صد در صد. مبدا برخی افراد این ایام را به غفلت و لهو و لعب بپردازند که مایه خسران آن‌هاست.

حافظ تعبیری دارد که باید زبان حال همه ما شیعیان در این ایام باشد و فاطمیه را مغتنم بشماریم: حافظ از دست مده دولت این کشتی نوح / و نه طوفان حوادث ببرد بنیادت

* حرف و حدیث‌های بسیاری پیرامون تایید و یا رد نوروز از سوی معصومین(ع) مطرح شده است. آیا روایتی در این محدوده وجود دارد؟

هیچ معصومی این موضوع را رد نکرده است. اصلاً مرحوم شیخ عباس قمی در بیان اعمال و وظایف عید نوروز بابی را اختصاص داده‌اند که در آن آمده است: حضرت صادق(ع) به «معلى بن خنيس» - که ایشان یکی از اصحاب خاص امام صادق هستند و در باب فقه روایات زیادی از ایشان نقل شده است - تعلیم فرموده که چون روز نوروز شود "غسل کن"، "پاکیزه‌ترین جامه‌های خود را بپوش"، "خود را به بهترین بوها خوشبو گردان"، "در آن روز روزه بدار"، "وقتی از نماز پیشین و پسین و نافله‌های آن فارغ شدی چهار رکعت نماز بگذار. بدین صورت؛ در رکعت اول بعد از حمد ده مرتبه سوره اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ بِخَوَانٍ و در رکعت دوم بعد از حمد ده مرتبه سوره قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ و در رکعت سوم بعد از حمد ده مرتبه سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و در رکعت چهارم بعد از حمد ده

مرتبه قلُّ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ وَ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ بخوان و بعد از نماز به سجده شکر برو و دعای اللهم صلّ علی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ وَ عَلَى جَمِيعِ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَ بَارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ وَ صَلِّ عَلَى أَرْوَاحِهِمْ وَ أَجْسَادِهِمْ اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَارِكْ لَنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا الَّذِي فَضَّلْتَهُ وَ كَرَّمْتَهُ وَ شَرَّفْتَهُ وَ عَظَّمْتَ حَظَّهُ اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِيمَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ حَتَّى لَا أَشْكُرَ أَحَدًا غَيْرَكَ وَ وَسَّعَ عَلَيَّ فِي رِزْقِي يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ اللَّهُمَّ مَا غَابَ عَنِّي فَلَا يَغِيْبَنَّ عَنِّي عَوْنُكَ وَ حِفْظُكَ وَ مَا فَقَدْتُ مِنْ شَيْءٍ فَلَا تُفَقِّدْنِي عَوْنَكَ عَلَيْهِ حَتَّى لَا أَتَكَلَّفَ مَا لَا أُحْتَاجُ إِلَيْهِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ را بخوان".

* پس نوروز مورد تایید امامان شیعه است؟

بله، مورد تایید است و به آن اهتمام می‌ورزیدند.

* دعای معروف تحویل سال چطور؟ آیا آن هم مستند است؟

در کتب غیر مشهوره آمده است که در وقت تحویل سال این دعا را بسیار بخوانند «يَا مُحَوَّلَ الْحَوْلِ وَ الْأَحْوَالَ حَوَّلْ حَالَنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ وَ بِه رَوَايَتٍ دِيْغَرِ يَا مَقْلَبَ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ يَا مَدِيرَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ يَا مُحَوَّلَ». در برخی از اقوال آمده که این دعا را 366 مرتبه بخوانید. در باب این دعا برخی گفته‌اند چون چنین کنی، گناهان پنجاه ساله تو آمرزیده شود و بسیار بگو "يا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ".

آنچه که قرائت شد عیناً عبارت مرحوم مجلسی در کتاب "زاد المعاد" می‌باشد. در شرافت این روز همین بس که در کتب دعا مطرح شده و بر عظمت و افتخار نوروز همین بس که اعمال و آداب نوروز بر قلم شریف مرحوم محدث قمی جاری شده است.

* از نظر فقهی می‌توان دعای تحویل سال را اثبات کرد؟

در فقه و اصول بابی تحت عنوان تسامح در ادله سنن داریم. فقها این را از قدیم‌الایام متعرض شده‌اند و مستندشان هم روایاتی معروف است که: «مَنْ بَلَغَهُ عَنِ النَّبِيِّ ص شَيْءٌ فِيهِ الثَّوَابُ فَقَعَلَ ذَلِكَ طَلَبَ قَوْلِ النَّبِيِّ ص كَانَ لَهُ ذَلِكَ الثَّوَابُ وَ إِنْ كَانَ النَّبِيُّ ص لَمْ يَقُلْهُ [3]».

منظور از روایت چنین است که در سنن، آداب و برنامه‌هایی که جزء واجبات نیست؛ اگر به شما روایتی رسید و دستور به پایبندی فلان سنت داد، آن را انجام دهید ولو اینکه پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) هم نگفته باشند.

اگر به فردی بگویند فلان عمل نیک نزد خداوند متعال فضیلت و ثواب دارد و او هم آن را به قصد رسیدن به این فضیلت، انجام بدهد، ذات اقدس الهی، آن ثواب را به او خواهد داد، اگر چه واقع امر این‌چنین نباشد.

بنابراین به اعتبار این روایت و فرمایش فقها، دعاهایی که در موقع تحویل سال خوانده می‌شود اگر سند معتبری هم نداشته باشد مورد تأیید است. خود معصومین(ع) نیز فرموده‌اند که در این مسائل دنبال سند نباشید و اگر سند ضعیف باشد شما عمل کنید و ثواب برای شما منظور خواهد شد.

* علمای قدیم اعتقادی به این نوروز و اعمال آن داشته‌اند؟

مرحوم آقا میرزا ابوالفضل زاهدی قمی نزد حوزویان و افاضل، معروف و مشهور هستند و امام راحل و مراجع دیگر نیز به ایشان اهتمام زیادی داشتند. مرحوم آقای زاهدی مقید بودند که در تحویل سال این ذکر را به عدد روزهای سال قرائت می‌کردند.

برخی روایت کرده‌اند که علاوه بر دعای یا مقلب القلوب این دعا را نیز در نوروز به عدد روزهای سال بخوانید: «اللَّهُمَّ هَذِهِ سَنَةٌ جَدِيدَةٌ وَ أَنْتَ مَلِكٌ قَدِيمٌ أَسْأَلُكَ خَيْرَهَا وَ خَيْرَ مَا فِيهَا وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَ شَرِّ مَا فِيهَا وَ أَسْتَغْفِرُكَ مُؤَنَّتَهَا وَ شَعْلَهَا يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ [4]».

* چگونه می‌توانیم عیدمان را اهل‌بیتی کنیم؟

با ادعیه‌ای که پیش‌تر ذکر کردم، پیوندی بین عید نوروز و خاندان عترت برقرار می‌شود. اینگونه عید نوروز مقدس و مبارک می‌شود، همانطور که آمده است: "بارک لنا فی یومنا هذا" برای ما مبارک بدار؛ "الذی فضله" این روزی که تفضیلش دادی؛ "کرمته" تکریم کردی؛ "شرفته" شرافت دادی.

* تفکرمان نسبت به عید نوروز باید چگونه باشد؟

در برخورد با نوروز برخی افراطی و برخی تفریطی هستند که هر دو غلط است. برخی در پی مقابله با نوروز هستند و برخی به دنبال آسمانی جلوه دادن این رسم؛ که هر دو گروه در حال حرکت در کژراهه می‌باشند.

در بین مردم رسوم ناصواب زیادی است اما رسوم صحیح و منطقی هم وجود دارد که ما باید جهات مثبت را تعمیم بدهیم و تشویق کنیم، در مقابل نیز جهات منفی را به مردم تذکر بدهیم.

از همین دعایی که مرحوم مجلسی در باب نوروز نقل کرده معلوم می‌شود که ما باید به دید احترام‌آمیزی به این روز نگاه کنیم اما حواسمان باشد که مسلمان و معتقد به ائمه و انبیا علیهم السلام هستیم. پس همان‌گونه که دیدمان به مسائل، دید ایمانی است؛ به نوروز هم به دید ایمانی بنگریم.

* احسن الحال به چه معناست؟

درس‌های بسیاری در این دعا وجود دارد. در فرازی از دعای تحویل سال می‌خوانیم: «يَا مُحوِّلَ الحَوْلِ وَ الْأَحْوَالِ حَوِّلْ حَالَنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ». از خدای این‌چنینی، چنین درخواست می‌کنیم که ما را به بهترین حال متحول و دگرگون کن.

این بهترین حال کدام است؟ همانی است که مولانا امیرالمومنین (ع) می‌فرماید: "هر روز که در آن گناه نکنید، عید شماست". پس طبق فرمایش ایشان، احسن الحال، حالی است که از گناه نکردن بدست می‌آید.

* "احسن الحال" از منظر فقها چگونه است؟

اگر به فقهی بگوییم محول الحال چیست؟ بر حسب اقتضای فقهائش می‌گوید بهترین حال برای انسان این است که تمام افعالش طبق دستور شرع باشد. چراکه فقه عبارت است از اینکه هر عمل و هر فعلی از عبد حکمی دارد.

فقیه می‌گوید؛ شما در این عالم وقتی به تکلیف می‌رسید هر حرکت و عملی که انجام می‌دهید - صغیر باشد یا کبیر؛ فردی باشد یا اجتماعی؛ ظاهری باشد یا اجتماعی؛ همه این‌ها - حکمی دارد. لذا از دیدگاه یک فقیه، احسن الحال یعنی انسان به این پایه برسد که همه اعمالش طبق احکام الهی باشد.

* متکلمین "احسن الحال" را چگونه توصیف می‌کنند؟

احسن الحال از دیدگاه چنین افرادی، مطابق با علم کلام است. علم کلام علمی مرتبط با مبدأ، معاد و اعتقادات صحیح است.

لذا از نگاه متکلم، احسن الحال این است که اعتقاداتمان را تکمیل کرده و بدون تقلید به این اعتقادات رسیده باشیم.

* یک فیلسوف از "احسن الحال" چه تعبیری دارد؟

فلاسفه در این باره خواهند گفت؛ ما انسان را از همه حیوانات، نباتات و جمادات ممتاز می‌دانیم و امتیاز انسان در بین سایر موجودات به این است که در قوه علمی و عملی سرآمد باشد.

علت چنین تفکری این است که انسان را در دو قوه علمی و نظری، از سایر موجودات ممتاز می‌دانند. به عبارت دیگر می‌توان گفت که "انسان کامل کسی است که در حکمت عملی و نظری به کمال رسیده باشد".

* از نگاه اهل معرفت چطور؟

اگر به عارف بگوییم "احسن الحال" را در «يَا مُحَوِّلَ الْحَوَالِ وَ الْأَحْوَالَ حَوِّلْ حَالَنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ» را به چه منظور می‌دانید، می‌گوید: احسن الحال خدایی شدن است یعنی تمام وجود انسان خدایی بشود. گفتار و کردارش، ظاهر و باطنش خدایی شود.

* استغاثه از خداوند برای دگرگونی حال فقط در ادعیه تحویل سال وجود دارد؟

خیر؛ در دعاها ماه مبارک رمضان که هر روز می‌خوانیم، نیز تعبیر "احسن الحال" وجود دارد: «اللهم غير سوء حالنا بحسن حالك؛ خدایا بد حالی ما را به حال خوش خودت تغییر بده».

اولاً این نکته معلوم باشد که خداوند هم باید خیلی حال خوشی داشته باشد. این باء اگر باء قسم باشد یک معنا دارد، اگر باء سببیه باشد معنای دیگری دارد، اگر باء تشبیه باشد یک معنای دیگر دارد.

حتی ممکن است این باء به معنای الی باشد که به حسن حال تو نزدیک بشوم. استاد آیت الله حسن زاده آملی در شرح اشارات در نمط بهجت و سعادت که از نمط های غنی و دل‌نشین اشارات شیخ هست، می‌فرمودند: این "غیر سوء حالنا بحسن حالك" در همین جهت است و ابن‌سینا آنجا می‌گوید، خداوند تبارک و تعالی "اجل مبتهج" است [5].

* احسن الحال را از دیدگاه اقشار مختلف بیان کردید؛ برای حسن ختام، نظر شریف خود را در مورد "احسن الحال" بیان بفرمایید.

حضرت حق در بهجت، سرور و خوشحالی سرآمد است. البته "حال" درباره حق غیر از "حال" در مورد ما می‌باشد. "حال" ما حساب دیگری دارد و "حال" حق تعالی خودش داری تفسیری است. بسیاری از اسرار ادعیه و معارفی که در بین ماست مسکوت مانده و لازم است به این معارف توجه شود.

"حول حالنا" عبارت عجیبی است، این تحول در فرهنگ دینی ما بسیار بااهمیت است. بنای خلقت با تحرک است و این خلیفه الله شدن تعبیری دیگری از احسن الحال می‌باشد که به معنای تغییر و تحول است.

به بیان دیگر احسن الحال یعنی انسان؛ مظهر اسماء و صفات حضرت حق باشد. اگر ائمه اطهار(ع) در اوج قله خدا نمایی هستند، شیعیان آن‌ها هم تا حدی ممکن است به آن‌ها شبیه باشند.

پی‌نوشت:

[1]. بحار الأنوار (ط - بیروت)؛ جلد 74، صفحه 166.

[2]. إعلام الوری بأعلام الهدی؛ صفحه 159.

[3]. المحاسن، جلد 1، صفحه 25.

[4]. زاد المعاد؛ صفحه 328.

[5]. الاشارات و التنبيهات، صفحه 141.